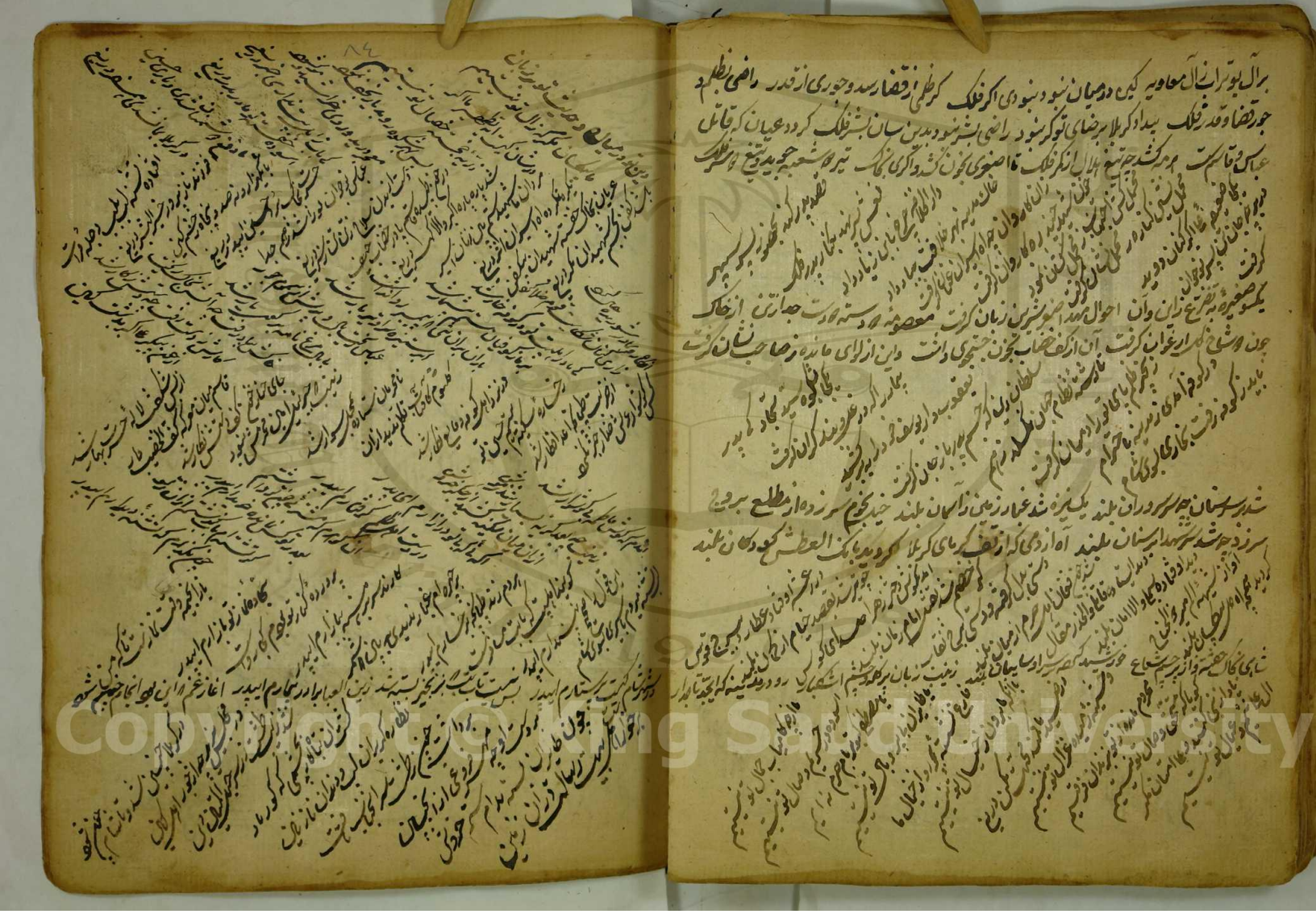

بر آل بوتراب آل معاویه کین در میان نبود نبودی اگر فلک گر ظلمی از قضا رسد و جوری از قدر راضی بظلم و
جور قضا و قدر فلک بیداد کربلا برضای تو گر نبود راضی بشر نبود بدین سان بشر فلک گردد عیان که قاتل
عباس و قاسم است هر مه کشد چو تیغ هلال از کمر فلک تا اصغری بخون کشد و اکبری بخاک تیر دو شعبه جوید و تیغ دو سر فلک

[illegible]

یکسو صغیره به تضرع زاین و آن احوال مهد اصغر شیرین زبان گرفت معصومه دو دسته دو دست جدا ز تن از خاک
چون دو شاخ گل ارغوان گرفت آن از کف خضاب بخون جستجوی داشت وین از لوای مانده ز صاحب نشان گرفت

[illegible]

شد بر سر سنان چه سر سروران بلند یک نیزه شد غبار زمین ز آسمان بلند خیل نجوم سر زده از مطلع بروج
سر زد چه شد سر شهدا بر سنان بلند آه از دمی که از تف گرمای کربلا گردید بانگ العطش کودکان بلند

[illegible]

Copyright © King Saud University